مقایسه مفهوم نظـــــرگاه در باغ‌های ایران و هند

شروین گودرزیان

کارشناس ارشد معماری منظر
shervin.goodarzian@gmail.com

این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی "تأثیر متقابل هنر ایران و هند" و برداشت‌های میدانی سفر مطالعاتی آن در سال ۱۳۹۱ است که در مرکز پژوهشی نظر انجام شد.

چکیده

نظرگاه به عنوان یکی از مهمترین عناصر باغ ایرانی، بخشی از باغ است که می‌توان در نقطه‌ای بالاتر از سطح باغ، بر آن نظر انداخت. این عنصر در باغ‌های ایران و هند، بسیار متفاوت جلوه می‌کند؛ در باغ ایرانی گزینش نقطه‌ای برای نگاه به منظر باغ است، نگاه ناظر تماماً معطوف به منظر باغ است و با عناصر زیباساز آن گره می‌خورد. در باغ هندی جهت دید نظرگاه چندان مطرح نیست و هدف دیدهای متفاوت در عرصه‌های مختلف باغ و نشان‌دادن نظام هندسی سامان‌یافته بر بستر آن است. این پژوهش می‌کوشد به منظور یافتن دلایل تفاوت‌های مذکور، مفهوم نظرگاه از دو بعد محتوا و کالبد را در نمونه‌های هندی، مورد مطالعه قرار دهد و نتیجه آن را با نمونه‌های ایرانی مقایسه کند.

با توجه به این پژوهش، نظرگاه در باغ‌های هندی برخلاف نمونه ایرانی، نه به منظور ادراک منظر گزیده و طراحی‌شده خیابان اصلی باغ، بلکه برای تسلط همه‌جانبه بر سطوح مختلف آن طراحی شده است. در واقع درک متفاوتی که از منظره‌پردازی باغ هندی پدید می‌آید، مفهوم نظرگاه را دگرگون ساخته است. این امر حتی کالبد نظرگاه را تحت تأثیر قرار داده و شکلی متفاوت از باغ ایرانی پیدا کرده است.

واژگان کلیدی

نظرگاه، باغ ایرانی، باغ هندی، مفهوم، منظر.

مقدمه

باغ ایرانی به عنوان یکی از نخستین الگوهای باغسازی جهان، همواره مدنظر هنرمندان باغساز و منظره‌پرداز دیگر ملل بوده است. علاوه بر آن ارتباطات فرهنگی و تبادلات هنری ایران با دیگر کشورهای جهان موجب‌شده باغ ایرانی به عنوان عنصری تأثیرگذار و پدیده‌ای فرهنگی به سرزمین‌های دیگر برود و با توجه به شرایط و زمینه موجود تغییر کند. هندوستان سرزمینی است که باغ ایرانی در زمان حکومت امرای گورکانی به آنجا برده شد و باغ‌هایی به شیوه باغسازی ایرانی در شهرهای مختلف هند احداث شد.

در مقایسه باغ‌های ایران و هند متوجه تأثیرات و شباهت‌های آنها، به خصوص در هندسه و ساختار کلی می‌شویم؛ اما با بررسی بیشتر، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود که نه تنها در ظاهر و کالبد بلکه ریشه در مفهوم و معنای باغ دارد. اگرچه باغ هندی براساس نظام حاکم بر باغ ایرانی شکل گرفته؛ اما نمونه‌های متأخر آن نشان می‌دهد باغسازی هندی از شیوه ایرانی فاصله گرفته است. نظرگاه از عناصر مشترک در باغ است که دچار این تغییر شده است. این سؤالات مطرح است که چه تفاوتی میان نظرگاه در باغ‌های هند و نمونه‌های ایرانی آن وجود دارد و از سوی دیگر آیا این تفاوت‌ها صرفاً در فرم و کالبد نظرگاه است، یا آنکه مفهوم و کانسپت هنر باغسازی در شکل‌گیری آن نیز تأثیر داشته است؟ به منظور پاسخ به این سؤال‌ها، ابتدا نمونه‌های هندی (باغ‌مقبره همایون در شهر دهلی، تاج محل در آگرا، باغ‌مقبره بی‌بی‌کا در اورنگ‌آباد و باغ آبی امبرفورت در شهر جیپور) مورد بررسی قرار گرفته و در مقایسه با باغ ایرانی، تفاوت‌های موجود میان منظره‌پردازی باغ ایرانی و هندی و تأثیر آن بر مفهوم نظرگاه مشخص شده است. پس از آن به فرم نظرگاه در این دو نوع باغ پرداخته می‌شود و تفاوت‌های ساختاری و شکلی نظرگاه، جایگاه آن در معماری و باغسازی دو سرزمین و روند تغییرات آن از زمان ورود به باغ هندی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فرضیه

نظرگاه در باغ هندی برخلاف نمونه ایرانی نه به منظور ادراک منظر گزیده و طراحی‌شده در خیابان اصلی باغ، بلکه برای تسلط همه‌جانبه بر سطوح مختلف آن طراحی شده است.

منظر باغ از نظرگاه باغ‌های ایرانی

منظر باغ ایرانی اهمیتی ویژه دارد و به صورت هدف‌دار شکل می‌گیرد. این منظر توسط عناصر گزینش‌شده و با ایجاد فضایی خاص تعریف می‌شود. در واقع به صورت تصادفی و با قرارگیری ناآگاهانه عناصر طبیعی و مصنوع ایجاد نمی‌شود. این عوامل نظام باغ ایرانی را شکل می‌دهند؛ نظامی که خاص این باغ بوده و از عناصری چون محور اصلی، آب، گیاه، دیوار و بنا تشکیل شده است. در این میان منظری که در خیابان اصلی ایجاد می‌شود از جایگاه مهمی برخوردار است و بررسی منظر باغ از نظرگاه باغ‌های ایرانی بدون توجه به منظره‌پردازی خیابان که از زمان ورود ناظر به باغ تا رسیدن به نظرگاه دیده می‌شود، امکان‌پذیر نیست. در طبقه‌بندی چشم‌انداز باغ ایرانی، منظر محور اصلی دارای اهمیت بیشتری است که معمولاً دو پرسپکتیو از سمت ورودی به کوشک و بالعکس را شامل می‌شود (حیدرنتاج، ۱۳۸۹ب : ۷۸). از این‌رو رابطه‌ای دوسویه میان دید از باغ به نظرگاه و دید از نظرگاه به باغ در این محور وجود دارد. محور اصلی، ستون فقرات و شاکله اصلی باغ محسوب شده که شکل‌دهنده منظره اصلی آن و مکانی برای استقرار عناصر مهم است. شکل‌گیری محور، برخلاف اینکه جایگاه عناصر عملکردی باغ است، مبتنی بر نقش کارکردی آن نبوده، بلکه هدف، ایجاد فضایی وحدت‌دار است که منظره در آن اصالت دارد. در این اقدام بیش از مکان‌یابی عملکردها، ایجاد فضا و منظره‌ای خاص که حال ویژه باغ ایرانی را تولید کند هدف‌گیری می‌شود : بریدن از بیرون و توجه به درون (منصوری، ۱۳۸۴ب). محور اصلی در طول بزرگتر باغ کشیده شده است و به کوشک میانی و یا انتهایی باغ ختم می‌شود. در واقع نظرگاه در اینجا منتهی‌الیه نقطه دید و تنها برای ناظری که در محور اصلی حرکت می‌کند، قابل رؤیت است. راسته درختان کشیده در دو طرف محور، جهت‌مداری منظر و عمق دید را افزایش می‌دهند، تا آنجا که ناظر ناخواسته به سمت نظرگاه یا بنای کوشک حرکت می‌کند.

از دیگر خصوصیات مهم منظر باغ ایرانی، شورانگیزی و تأمل‌برانگیزی آن است. انسان در باغ ایرانی نمی‌تواند بدون توجه به منظر موجود قدم زند. در واقع باغ ایرانی فضایی می‌سازد که ناظر را به فکر وامی‌دارد، و فضایی شورانگیز و مناسب تأمل برای انسان و ادراکات شهودی او محسوب می‌شود. در این‌گونه از منظره‌سازی، محصول منظره و کارکرد آن هدف اصلی قرار می‌گیرد (همان).

منظری که از نظرگاه باغ ایرانی مشاهده می‌شود نیز منظری منتخب و جهت‌دار است. در این نظرگاه هرگز نمی‌توان بر کلیت باغ تسلط داشت، بلکه عناصر موجود همواره چشم انسان را متوجه محورها و مناظر تعریف‌شده می‌کنند که ردیف درختان، جوی آب و کف‌سازی عناصر ثابت این منظره هستند. در باغ‌هایی که کوشک در مرکز قرار می‌گیرد، از چهار سمت منظر دارد و مسیرها در چهار طرف به کوشک منتهی می‌شوند. وجود این چشم‌اندازهای روبه‌روی نظرگاه و به ویژه کاشت درخت در دو طرف آن‌ها، نقش اساسی در ایجاد مناظر باغ دارد که آن را طولانی‌تر جلوه می‌دهد و از لحاظ روانی به وسعت باغ می‌افزاید (حیدرنتاج، ۱۳۸۹الف : ۸۳). نکته قابل توجه دیگر این است که نظرگاه باغ ایرانی به منظور ایجاد دید و منظر مناسب و دلخواه در سطحی بالاتر از سطح باغ قرار می‌گیرد. این امر موجب می‌شود

توجه ناظر تنها به منظره‌پردازی داخل و زیبایی‌شناسی خود باغ معطوف نشود، بلکه وسعت دید ایجادشده، به خارج از باغ راه یافته و چشم‌انداز ورای باغ نیز از اهداف نظرگاه باغ ایرانی باشد. بررسی نگاره‌ها، نقشه‌ها و توصیفات تاریخی از باغ‌های دوره صفوی نشان می‌دهد طبیعت بکر به مثابه بخشی جوهرین از صورت باغ و چشم‌انداز آن در ورای دیوار، خواست باغ ایرانی بوده است (عالمی، ۱۳۹۰). از این‌رو نظرگاه در باغ ایرانی نقطه‌ای است برای نگاه به بی‌نهایت و هدف از آن ایجاد ارتباط با طبیعت است. در این باغ نظرگاه نه برای غلبه بر طبیعت بکر خارج باغ بلکه در راستای درک و ایجاد رابطه‌ای عمیق با آن ایجاد شده است، لذا مکان‌یابی آن همواره از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است، علاوه بر این برخورداری از زیبایی‌شناسی منظر باغ و جهت‌مداری نظرگاه نیز مدنظر است و تلاش شده نظرگاه، مکانی برای نمایش عناصر گزینش‌شده و منظره خاص باغ ایرانی باشد (تصویر۱).

منظر باغ از نظرگاه باغ‌های هندی

در اولین نمونه‌های باغسازی هند، نظم از شاخص‌ترین ویژگی‌ها و عامل مهم شکل‌دهنده باغ بوده است. «بابرشاه[۱]» به عنوان آغازگر ساخت باغ هندی، نظم باغ را مدنظر دارد و می‌کوشد با ساخت باغ به طبیعت بی‌شکل هندوستان نظم دهد و به تجلی صفات آن کمک کند (لطیفیان و نجار نجفی، ۱۳۸۸). پیروی از الگوی مستقیم‌الخط و چهاربخشی باغ ایرانی در پلان باغ هندی آنچنان اهمیت پیدا می‌کند که به عنوان بخش مهمی از منظره‌پردازی گورکانیان، در منظر این باغ تداوم دارد. در واقع باغ هندی می‌کوشد همواره نظم هندسی موجود در آن را به ناظر نشان دهد (کوثر، ۱۳۸۹). نبود انبوه درختان و عناصر جهت‌دار این امکان را می‌دهد تا تمام نظام شکل‌دهنده باغ توسط ناظر دیده و درک شوند. این خصیصه در باغ آبی هندی به اوج خود می‌رسد تا آنجا که تنها خطوط و نقوش هندسی، باغ را تشکیل داده و نظم، عنصر غالب است (تصویر۲). نظرگاه با قرارگرفتن در مرتفع‌ترین قسمت باغ، مسلط بر این نظام شکلی بوده و همواره نظم سامان‌یافته بر بستر باغ را به ناظر نمایش می‌دهد. از سوی دیگر، استقرار نظرگاه در ارتفاعی نسبتاً زیاد از سطح زمین، موجب دیده‌شدن چشم‌انداز ورای دیوار باغ شده و گویای تضاد میان هندسه داخل و طبیعت دست‌نخورده بیرون از آن است. در اینجا برخلاف طبیعت‌گرایی باغ ایرانی و ایجاد حس ارتباط با آن، نمایش قدرت انسان به عنوان سامان‌دهنده طبیعت و سلطه بر آن مد نظر است.

تصویر۱. منظره‌پردازی جهت‌دار که توسط عناصر گزینش‌شده در محور مقابل نظرگاه باغ ایرانی صورت می‌گیرد. باغ فین، کاشان. عکس : محمد حسین عسکرزاده، ۱۳۸۸. ترسیم : شروین گودرزیان، ۱۳۹۱.

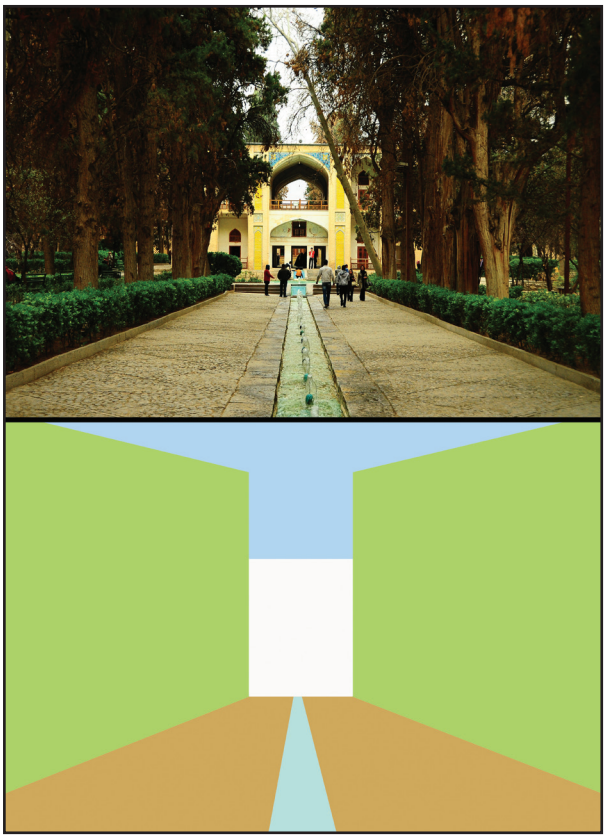

تصویر۲. وسعت دید ناظر در محور باغ هندی و عدم وجود دید عمیق در منظره‌پردازی باغ. باغ‌مقبره تاج محل، آگرا. عکس و ترسیم : شروین گودرزیان، ۱۳۹۱.

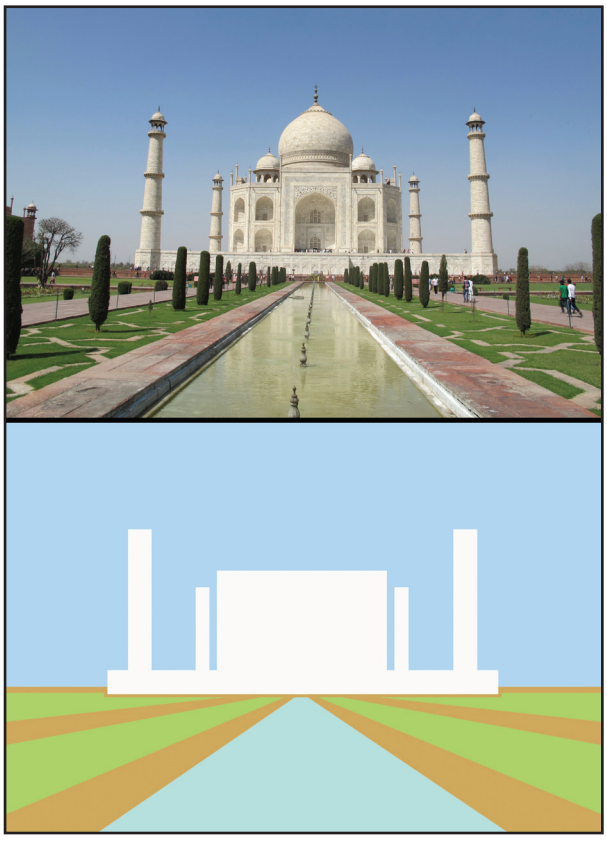

تصویر۳. تسلط ناظر بر تمامی جهات باغ از نظرگاه باغ هندی. باغ‌مقبره همایون، دهلی. عکس : شروین گودرزیان، ۱۳۹۰.

تصویر۴. عدم وجود راسته درختان جهت‌دار در محور اصلی موجب وسعت دید ناظر در نظرگاه باغ هندی می‌شود. باغ‌مقبره بی‌بی‌کا، اورنگ‌آباد. عکس : شروین گودرزیان، ۱۳۹۱.

از خصوصیات دیگر منظر باغ هندی می‌توان به بی‌جهتی آن اشاره کرد که در آن عناصر خاص و جهت‌دار باغ ایرانی حضور نداشته و نقش محور اصلی کمرنگ شده است، راسته درختان بلند و انبوه در کنار محور مشاهده نمی‌شود و تنها راسته‌ای از درختان سرو به گونه‌ای نمادین و به نشان ابدیت و همیشه سرسبزی کاشته شده‌اند (همان). در این باغ، دیگر دید عمیق و پرسپکتیو تک‌نقطه‌ای خاص باغ ایرانی مد نظر نیست و ناظر نه تنها از محور اصلی، بلکه از نقاط دیگر می‌تواند نظرگاه را مشاهده کند، با این تفاوت که نظرگاه منتهی‌الیه دید نیست، بلکه مرکز ثقل باغ است که نسبت به دیگر عناصر، برجسته شده است. از سوی دیگر در نظرگاه نیز جهت دید چندان مطرح نبوده و با توجه به گستردگی آن در تمامی جهات، چشم‌اندازهای مختلف در تمام عرصه باغ و تسلط کامل بر آن هدف قرار گرفته است (تصاویر۳ و ۴).

ویژگی دیگر منظر باغ هندی، جایگاه مهم بنا و توجه بسیار به آن است. این اهمیت باعث‌شده سامان‌دهی باغ به ویژه محور اصلی آن در جهت توجه به بنا و بالابردن جایگاه آن صورت پذیرد. تغییر منظره‌پردازی و پررنگ‌شدن عناصر معماری باغ هندی به تدریج مفهوم باغ را نزد هندیان متحول کرده و از ارزش معنایی آن به عنوان باغ ایرانی کاسته است. نقش رو به گسترش باغ هندی به عنوان جایگاهی برای تدفین و شکل‌گیری باغ‌مقبره‌ها موجب کمرنگ‌شدن باغ و اهمیت‌یافتن مقابر شد. به طوری که در هیچ‌یک از زیارت‌های «اکبرشاه[۲]» از مقبره همایون، سخنی

از باغ آن به میان نیامده است (وسکوت، ۱۳۸۹). بنابراین با پررنگ‌شدن بنا، کالبد نظرگاه اهمیت پیدا می‌کند و هدف نمایش منظره باغ به ناظر در درجات پایین‌تر قرار می‌گیرد.

مقایسه شکل نظرگاه در باغ‌های ایران و هند

اگرچه شکل کلی نظرگاه در باغ‌های ایرانی و هندی شبیه یکدیگر است، اما با توجه به تحولات مفهومی صورت‌گرفته در باغ هندی، کالبد نظرگاه در جزئیات تغییر کرده است. از لحاظ کالبدی نظرگاه‌های مشترک میان باغ‌های ایران و هند را می‌توان به «کوشک»، «صفه» و «ایوان» تقسیم کرد.

• کوشک : براساس مدارک موجود، بنای کوشک از عناصر اصلی و جدانشدنی باغ ایرانی محسوب می‌شده است. کوشک و کاخ در باغ‌های دوره هخامنشی و ساسانی همواره حضور داشته‌اند و استقرار این عناصر در مکان تقاطع دو محور باغ در این دوران مرسوم بوده است. پس از اسلام نیز کوشک در باغ ایرانی حضور دارد و حتی انطباق آن با فرهنگ گورکانیان موجب جایگزینی با سراپرده و تداوم آن در باغسازی ایرانی هند می‌شود. کوشک در عصر صفوی نیز به اوج خود می‌رسد (ویلبر، ۱۳۴۸ : ۱۹ و انصاری، ۱۳۸۹). در باغ ایرانی همواره تلاش بر این بوده، کوشک در محلی قرار گیرد که از بهترین چشم‌انداز برخوردار باشد؛ عمارت آن برونگرا بوده و در مکانی قرار می‌گرفته است که منظر خاص و تعریف‌شدهٔ باغ را برای ناظر ایجاد کند. ایجاد بهترین دید برای کوشک موجب استفاده از طرح‌های چهارصفه و هشت‌بهشت شد که به ناظر این امکان را می‌دهد از هر سوی، بخشی از باغ را نظاره‌گر باشد. همچنین اغلب در دو طبقه ساخته می‌شده است و فضاهای مهم در طبقه بالا تعبیه می‌شده تا نهایت استفاده از نظرگاه صورت پذیرد. اغلب کوشک‌ها دارای چهار جبهه با خصوصیات کالبدی یکسان بوده‌اند که با توجه به اهمیت، جهت‌گیری و قرارگیری در مقابل منظره خاص باغ، یکی از جبهه‌ها به عنوان جبهه اصلی شاخص‌تر شده است (سلطان‌زاده، ۱۳۷۸ : ۵۸).

کوشک با تمام این ویژگی‌ها وارد باغ هندی شد اما پس از تبدیل به بنای مقبره، مفهوم خود را به عنوان نظرگاه باغ از دست داد و به عنصری نمادین و باشکوه در باغ هندی تبدیل شد. از این‌رو شکل آن به همان صورت باقی ماند ولی عملکردش تغییر کرد تا آنجا که فضاهای مهم در طبقات بالا حذف شد. این در حالی است که با وجود طرح هشت‌بهشتی، ارتباط آن با باغ و منظره‌پردازی آن قطع شده است؛ در اینجا تنها شباک‌ها هستند که منظره‌ای محو از باغ را به داخل عمارت می‌برند. از این‌رو توجه به درون از بیرون مهمتر می‌شود.

• صفه : از عناصر مهم معماری ایرانی است که در ابتدا به صورت نمادین استفاده می‌شده و در واقع نشان از اهمیت حرکت به بالا داشته است؛ بعدها به عنوان عنصری جهت ایجاد مناظر و دید بهتر نیز بکار گرفته می‌شود. توجه به منظره، مشاهده بهتر طبیعت و القای قداست از مهم‌ترین دلایل قرارگیری بر روی صفه بوده است. اگرچه این عنصر در طول زمان تکامل یافت و تغییرات بسیاری کرده، اما جوهره اصلی آن هرگز از یاد نرفته است. این موارد نشان می‌دهد صفه با هدف ایجاد مکانی مشرف به منظره‌ای خاص در معماری ایرانی ایجاد و به کار رفته است. این عنصر به همین صورت وارد باغ ایرانی شد و در ساماندهی آن، به ویژه در زمین‌های شیب‌دار و دچار عارضه، نقش به سزایی داشته است. صفه همواره هم‌راستا با نمایش منظر خاص باغ ایرانی و به عنوان نظرگاهی مهم در باغ‌تخت‌های ایرانی نقش ایفا کرده است (منصوری، ۱۳۸۴الف : ۵۷-۳۲ و حیدرنتاج، ۱۳۸۹ب : ۱۵۰-۱۴۷).

در باغ‌های هندی اگرچه صفه با مفهوم توجه به بالا استفاده شده، اما جنبه قدرت و سلطه بر تمام باغ از اهمیت بیشتری برخوردار است. از یک‌سو قرارگرفتن بنا بر روی صفه‌ای با ارتفاع بلند موجب ایجاد حس عظمت و مقام بالای آن شده و از سویی گسترده بودن آن در تمامی جهات، تسلط کامل ناظر بر باغ را موجب می‌شود. از این‌رو در اغلب باغ‌مقبره‌های هندی، عمارت مقبره با مقیاسی عظیم بر روی صفه‌ای وسیع و مرتفع به شکل مربع با چشم‌اندازی نمادین شکل می‌گیرد (انصاری، ۱۳۸۹). درواقع عظمت‌گرایی، هدفی است که صفه در باغ هندی به دنبال آن است. قرارگیری مقبره همایون بر صفه‌ای با ارتفاع و وسعت بسیار، چنان عظمتی به مقبره و بنای معماری داده که نقش باغ و درک منظر آن بسیار ضعیف شده است. همچنین حضور این عنصر در باغ آبی مطبق مقابل امبرفورت (Amber fort) در جیپور (Jeipour) نیز به چشم می‌خورد که به گونه‌ای دیگر تسلط بر هندسه شدید باغ و تضاد با طبیعت اطراف را موجب می‌شود (تصاویر۵ و ۶).

• ایوان : به عنوان پدیده‌ای ساخته شده توسط ایرانیان از مهم‌ترین عناصر معماری آنها محسوب می‌شود. عملکرد اصلی آن ایجاد دید و منظر به فضاهای بیرونی و درونی است (منصوری، ۱۳۸۴الف : ۷۵). این عنصر در باغ ایرانی به تجلی می‌رسد و در ترکیب با ساختار کوشک، نظرگاهی خاص ایرانی را می‌سازد. از مهمترین ویژگی‌های آن می‌توان به عمق و جهت‌دار بودن دید آن اشاره کرد که یکی از اهداف نظرگاه باغ ایرانی است. ایوان همواره در جبهه اصلی کوشک حضور داشته و با توجه به منظره مقابل آن تغییر می‌کرده است. نکته قابل توجه این است که این عنصر در باغ هندی، با گذشت زمان نقش خود را از دست داده و تنها شکل آن در نمای کوشک باغ هندی باقی می‌ماند. در عمارت مقبره همایون در دهلی، بی‌بی‌کا در اورنگ‌آباد و تاج محل در آگرا مشاهده می‌شود که ایوان، عمق و جهت‌داری خود را از دست داده و تنها به عنوان عنصری معماری در بنای کوشک مورد استفاده قرار گرفته است (تصاویر۷ و ۸).

تصویر۵. هندسه غالب بر باغ آبی هندی و تلاش بر نمایش تضاد با طبیعت اطراف. باغ آبی مقابل امبرفورت، جیپور. عکس : شروین گودرزیان، ۱۳۹۱.

تصویر۶. قرارگیری بنا بر روی صفه‌ای وسیع و مرتفع به منظور ایجاد حس عظمت و مهم جلوه دادن بنای نظرگاه در باغ هندی. باغ‌مقبره همایون، دهلی.
مأخذ : Michell & Pasricha, 2011: 74.

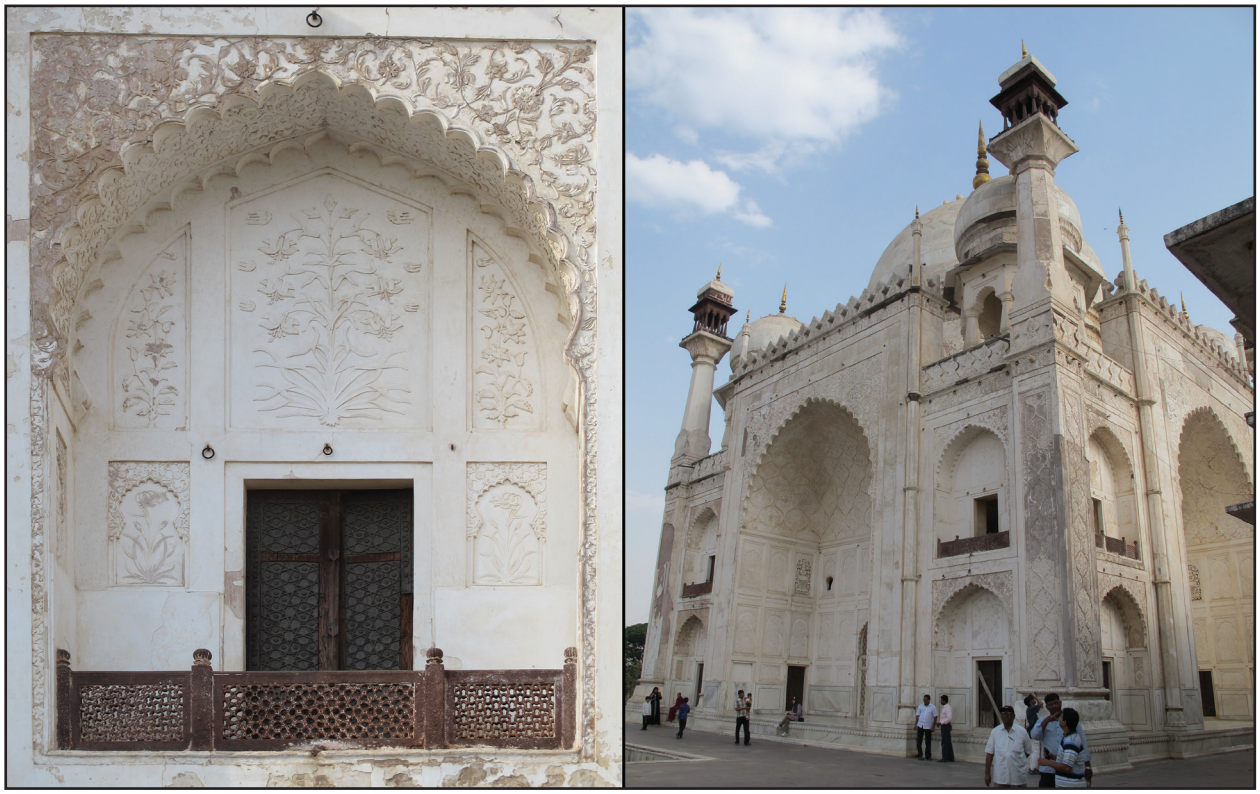

تصویر۷. از میان‌رفتن عمق ایوان و عدم جهت‌داری آن در باغ هندی موجب تغییر مفهوم کاربرد آن در بنای نظرگاه شده است. باغ‌مقبره بی‌بی‌کا، اورنگ‌آباد. عکس : شروین گودرزیان، ۱۳۹۱.

تصویر۸. تغییر معنای ایوان به عنوان نظرگاه در باغ هندی موجب تفاوت کالبدی این عنصر در دو باغ ایرانی و هندی شده است. ترسیم : شروین گودرزیان، ۱۳۹۱.

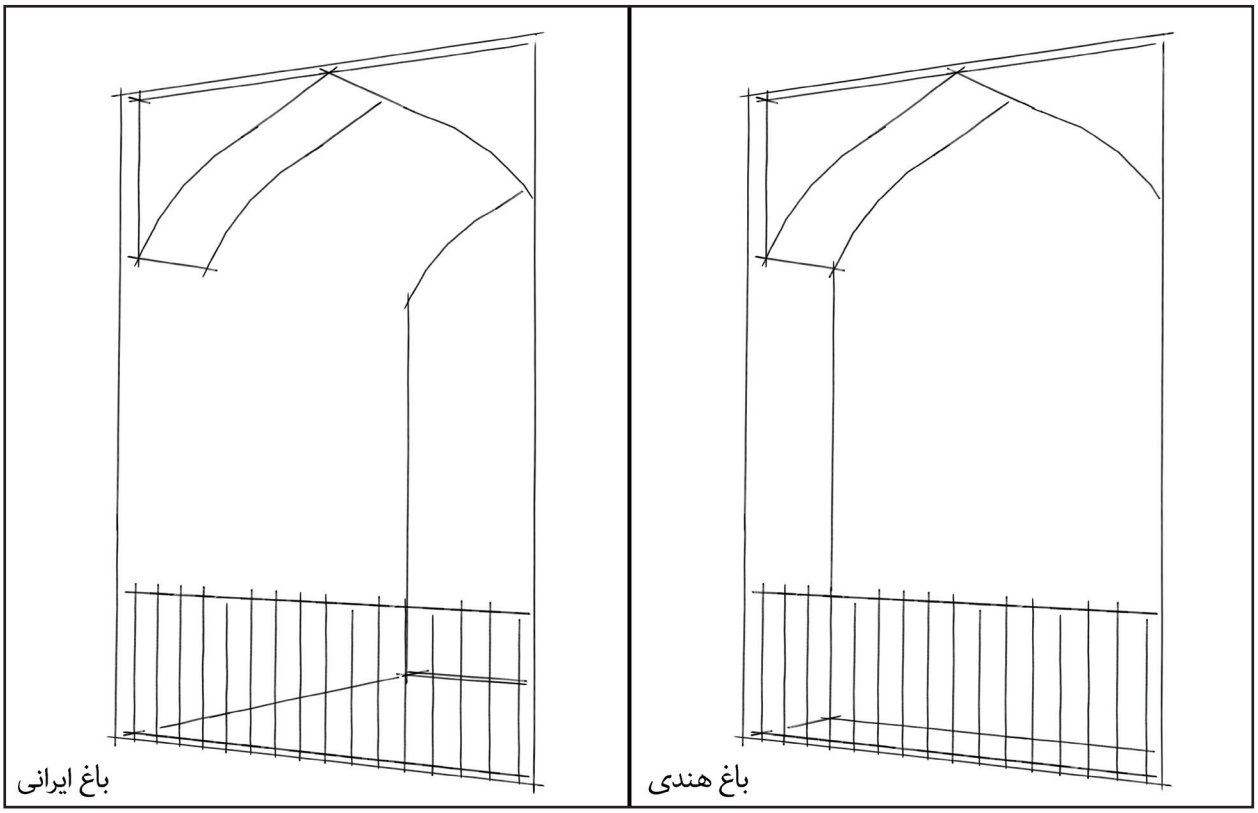

نتیجه‌گیری

بررسی‌های صورت گرفته و مقایسه باغ‌های ایرانی و هندی نشان می‌دهد با وجود شباهت‌های ابتدایی در شکل، مفهوم نظرگاه در این دو نوع باغ کاملاً متفاوت است و با دقت بیشتر مشخص می‌شود این تفاوت ریشه در محتوای منظر باغ هندی دارد، به‌گونه‌ای که کاملاً معنای نظرگاه را متحول کرده است و ایجاد آن هدف دیگری را دنبال می‌کند.

با توجه به ساخت باغ‌های هندی براساس شیوه باغسازی ایرانی (عصر صفوی)، شباهت‌های بسیاری به ویژه از لحاظ کالبدی و عناصر خاص در منظره‌پردازی میان این دو نوع باغ مشاهده می‌شود؛ اما این عناصر با گذر زمان تغییرات بسیاری یافته تا آنجا که منظره‌پردازی باغ‌های هندی از باغ‌های ایرانی فاصله گرفته است. در اصل درک متفاوت از منظره‌پردازی خاص باغ‌های هندی، و تفاوت ارزش‌ها و جایگاه عناصر، به خصوص در محور اصلی به همراه قوت گرفتن ویژگی‌های نمادین این باغ، موجب شده است مفهوم نظرگاه دگرگون شود و بُعد اِشرافیت و تسلط همه‌جانبه بر نظم موجود در باغ و متفاوت با زمینه غالب شود. از این‌رو هدف اصلی نظرگاه باغ ایرانی کم‌رنگ شده و خود نظرگاه مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به تفاوت فوق، شکل نظرگاه از ایوان هم‌راستا با محور اصلی، منظر آرمانی و تعریف‌شده باغ ایرانی به صفه‌ای گسترده در پیرامون بنای اصلی با ارتفاع بلند از کف باغ هندی تغییر می‌کند و نمایش‌دهنده نظام هندسی کلیت باغ و نقش انسان به عنوان موجودی مسلط بر طبیعت و قدرتمند است.

پی‌نوشت

* ترجمه انگلیسی این مقاله توسط خانم ترگل حسینی انجام شده که بدین وسیله از ایشان قدردانی می‌شود.

۱. ظهیرالدین محمد بابرشاه، مؤسس سلسله گورکانیان هند (۱۵۳۰-۱۴۸۳م.)

۲. از پادشاهان سلسله گورکانیان (۱۶۰۵-۱۵۴۲م.)

فهرست منابع

• انصاری، مجتبی. (۱۳۸۹). باغ ایرانی، زبان مشترک منظر در ایران و هند. *مجله منظر*، ۳ (۱۳) : ۱۱-۶.

• حیدرنتاج، وحید. (۱۳۸۹الف). *باغ ایرانی*. تهران : انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

• حیدرنتاج، وحید. (۱۳۸۹ب). *هنجار شکل‌یابی باغ ایرانی؛ با تأکید بر نمونه‌های عصر صفوی کرانه جنوبی دریای خزر، نمونه‌های موردی: باغ‌های بهشهر*، رساله جهت دریافت درجه دکتری در رشته معماری. تهران. دانشگاه تهران.

• سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۸). *تداوم طراحی باغ ایرانی در تاج محل (آرامگاه بانوی ایرانی‌تبار)*. تهران : انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

• عالمی، مهوش. (۱۳۹۰). نمادپردازی باغ ایرانی. ترجمه : شهرزاد خادمی. *مجله منظر*، ۳ (۱۷) : ۱۳-۶.

• کوثر، سجاد. (۱۳۸۹). مفهوم منظرسازی در دوره گورکانیان. ترجمه : آزاده پشوتنی‌زاده. *مجله کتاب ماه هنر*، (۱۴۰) : ۷۱-۶۶.

• لطیفیان، طناز و نجار نجفی، الناز. (۱۳۸۸). بابرنامه و باغ. *مجله گلستان هنر*، (۱۶) : ۷۳-۶۵.

• منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۴الف). *طرح پژوهشی بررسی نقش صفه در معماری ایران*. تهران. دانشگاه تهران.

• منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۴ب). درآمدی بر زیبایی‌شناسی باغ ایرانی. *مجله باغ نظر*، ۱(۳) : ۶۳-۵۸.

• وسکوت، جیمز ال. (۱۳۸۷). باغ‌های گورکانی هند و علوم جغرافیایی (گذشته و حال). ترجمه : پویان شهیدی. *مجله گلستان هنر*، (۱۱) : ۱۰۵-۸۹.

• ویلبر، دونالد نیوتن. (۱۳۴۸). *باغ‌های ایران و کوشک‌های آن*. ترجمه : مهین‌دخت صبا. تهران : انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

• Michell, G. & Pasricha, A. (2011). *Mughal Architecture & Gardens*. Mumbai: The Shoestring Publisher.